

فلسفه با پیش دبستانی و دبستانی

مرتضی اسمعیلی کارتیجی^۱

چکیده

پرداختن به تربیت کودک در سال های اولیه زندگی موقعیت بسیار مناسبی برای جلوگیری و یا کاستن از اشکالات یادگیری است و منافع ماندگاری برای خانواده و اجتماع دارد از جمله تقویت ارزشهای اخلاقی، اجتماعی شدن، بسیج اجتماعی و.... فلسفه برای کودکان تلاشی است برای توسعه فلسفه با این هدف که استدلال و داوری منطقی در قالب فلسفه به این کودکان آموخته شود. کاوشگری فلسفی در کلاس درس یا در محیط مهد های کودک به آنان امکان می دهد با دنیای خویش آشنا شوند و نیز کشف کنند که چه چیزی در این دنیا ارزشمند و قابل ستایش است. کار مربی آماده کردن کودکان برای پرورش و یادگیری است. مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می دهد که این کار را از دوره های پیش دبستانی و حتی کمتر آن شروع شود؛ بدین ترتیب برنامه جدیدی با عنوان فلسفه برای کودکان طراحی شد و از آن طریق فلسفه وارد دبستانها و مدارس گردید. این برنامه که به زبانی ساده پراز تجربه ها و تمرین هاست که با کودکان در طی 23 سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش (مقطع ابتدایی) بدست آورده ام به آنها یاد می دهد که چگونه باید فکر کنند. با استفاده از این برنامه، معلمان آموزش دیده، کودکان را به تفکر عمیق تر درباره ایده هایی که پس کار مدرسه ای آنها قرار دارد، تشویق می کنند.

واژگان کلیدی: کودک، تفکر، قضاوت، استدلال، فلسفه ورزی

¹ - ارشد رشته فلسفه (mortezaesmailikar@yahoo.com)

Preschool and philosophy

Morteza Esmaili Kartyjy¹

Abstract

Addressing the education of children in the early years a great opportunity for preventing or reducing learning difficulties and lasting benefits for the family and the strengthening of moral values, socialization, social mobilization and

Philosophy for Children is an attempt to develop a philosophy with the aim of logical reasoning and judgment based on the philosophy that children be Coach preparing children to grow and studies show that preschool and even less so of course it , the new program was designed as a philosophy for children entering primary schools and schools of philosophy and of the way it was It's tha rich experience and over 23 years work experience with children in education (primary school) I've got to teach them how to think. With this program, trained teachers, children to think more deeply about the ideas that they are after school work, encourage.

Key words: child, thinking, judgment, reasoning, philosophizing

¹- Graduate student in philosophy(mortezaesmailikar@yahoo.com)

مقدمه

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در میان تمامی موجودات خاکی برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است؛ زیرا براساس قدرت تفکر و برخورداری از نیروی اراده و تصمیم‌گیری، مسئولیت انتخاب و عمل برعهده انسان گذاشته شده است از این رو از موضوعات بحث برانگیزی است که طی چند سال اخیر مطرح شده است علاقه به توسعه تواناییهای فکری پدیده‌ای نیست که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته باشد. چنین علاقه‌ای در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد. متأسفانه مدارس امروز، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات (حافظه) و حقایق علمی معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر فاصله گرفته‌اند در هر صورت کودکان امروز توسط تلویزیون، رادیو، اینترنت، تبلت، موبایل و... تحت تاثیر مسائلی قرار می‌گیرند که مخصوص بزرگان است آنها نیز مانند بزرگ سالان دنیا را آمیخته‌ای از امکانات گوناگون و راه‌های دیگر می‌یابند و باید این مسئله را یاد بگیرند چگونه برای خود قضاوت اخلاقی قابل قبولی داشته باشند این در حالی است که انسانها به عنوان مخلوقاتی ضعیف در محیطی ناسازگار نیاز به پرورش قابلیت‌های شناختی خود دارند تا بقای خویش را تضمین نمایند. پس آموزش فلسفه برای کودکان موقعیتی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان سؤالات خود را پیرامون مفهوم‌ها بپرسند و آنها را بررسی کنند، تفکر خود را بهبود بخشند، از ایده‌های دیگران و فلسفه سنتی درس بگیرند تا با توجه به آن، خود، جامعه، و جهان را بهتر بشناسند و قضاوت کنند و زندگی هدفمندی داشته باشند. از يك سو هر انسان، به عنوان يك انسان، لحظه‌هایی را فلسفی زندگی می‌کند و اهمیت این لحظات حیات تا بدانجاست که حتی می‌توان گفت هستی انسان در چنین لحظه‌هایی شکوفا می‌شود و از سویی دیگر هرگونه رو کردن به اصل‌ها و بنیاد چیزها گام نهادن به قلمرو فلسفه است؛ بنابراین فلسفه همگانی است و منحصر به فلاسفه نیست (نقیب زاده، 1374). سؤالی

که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر فلسفه همگانی است و اگر فلسفه سیر حرکت و در راه بودن است، پس چرا کودکان نتوانند درگیر آن شوند؟ در دانشگاه کلمبیا، پروفیسور «ماتیو لیپمن»¹ این نظریه را مطرح کرد که چنانچه ذهن کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم، می‌توانیم نحوه تفکر او را رشد دهیم. لیپمن معتقد بود که اگر کنجکاو طبیعی کودکان و میل آنان به دانستن در باره جهان را با فلسفه مرتبط کنیم می‌توانیم کودکان را به متفکرینی تبدیل کنیم که بیش از پیش نقاد، انعطاف پذیر و مؤثر باشند. برای این منظور وی برنامه آموزش فلسفه به کودکان را مطرح کرد. اما آنچه که از اهمیت زیادی برخوردار است کشور عزیزمان و فرهنگ مان است یعنی ما باید از الگویی تبعیت کنیم که با فرهنگ ما تطابق داشته باشد یا خودمان الگویی بسازیم و دیگران را حیرت زده نماییم.

1- منظور از برنامه فلسفه برای کودکان² ...

اساس کار منطقی اندیشیدن، آن است که از زمان کودکی و دوران آموزشهای اولیه باشد نه در بزرگسالی که نهادهای درونی انسان شکل گرفته و عادات و ملکات بر انسان حکومت می‌کنند. در سال‌های آغازین زندگی است که کودک هویت و شخصیت خود را برای همه عمر پایه‌گذاری می‌کند. به نظرم این باور به پایه‌گذاری رویکردی می‌انجامد که آموزش به کودک را برپایه احترام، مسئولیت‌پذیری و مشارکت و از طریق کاوش و پویش به پیش می‌برد. فلسفه برای کودکان تلاشی است برای توسعه فلسفه با این هدف که استدلال و داوری منطقی در قالب فلسفه به کودکان آموخته شود و یاد دادن چگونه اندیشیدن، تفکر انتقادی، تقویت قدرت استدلال، داوری، کمک به رشد مهارت‌های مربوط به تفکر سالم در کودکان و نوجوانان و برانگیختن سطوح بالای تفکر در کودکان و مشترک میان اعضای گروه ایجاد شود. الگوی سنتی، رایج

¹Matthwe Lipman

²Philosophy for children program

آموزش و پرورش در کشورهای توسعه نیافته، بر پیش فرض‌هایی مبتنی است که طراحان آن در طول سالیان سال، بدون هیچ توجه‌ای، با فرض گرفتن آنها، نظامی از آموزش و پرورش را ساخته‌اند که در حال حاضر به دلایل مختلف و متعدد کارآمد جلوه نمی‌کند. امروزه تعریفی که از کودک ارائه می‌شود این است که کودکان مستعدتر از بزرگسالان محسوب می‌شوند و قدرت درک و جذب مهارت‌ها و معارف بیشتری را دارند و یا گفته می‌شود «کودکان فیلسوفان بالذات هستند». ولی این جامعه است که آن‌ها را کلیشه‌ای کرده و قدرت تفکر را از آنها می‌گیرد در حالی که باید آن‌ها تفکر عمیق داشته باشند. منظور از آموزش فلسفه برای کودکان آموزش مکاتب فلسفی نیست بلکه قدرت تفکر فلسفی است که ویژگی برجسته آن عمق آن است. متأسفانه در کشور ما آموزش تفکر با تحقیق انجام نمی‌گیرد. به طور مثال در پایه ششم ابتدایی کتابی با عنوان «تفکر و پژوهش» تالیف شده که تدریس می‌شود. اجرای این طرح باید دستکم 10 سال طول میکشد نه این که شش ماهه اجرایی می‌شد، چرا که ممکن است این طرح که چندان روی آن مطالعه نشده به بچه‌ها آسیب بزند و با شکستی روبه‌رو شود که ده‌ها سال طول بکشد تا عوارض آن جبران شود. در کشورهای پیشگام در این آموزش‌ها از جمله استرالیا با سال‌ها تحقیق و بررسی کتاب‌هایی برای نظام آموزشی تالیف شده است. در آسیا هم البته فقط کره جنوبی و ایران است که در این حوزه کار آغاز شده است، اما متأسفانه ما عجل‌الآنه این آموزش را در مدرسه شروع کردیم و برخی از معلمان که قرار است این کتاب را آموزش دهند خود با مشکل بزرگی یعنی عدم گذراندن آموزش ضمن خدمت در این خصوص روبرو هستند و طرح با شکست روبه‌رو می‌شود. چرا که معلم باید آموزشهای لازم را دیده باشد تا به کودکان مهارتهای مختلفی مثل: تدوین شفاف و روشن مفاهیم، مهارت استدلال کردن، مهارت تفکر خلاق، مهارت ارتباطات، مهارت کاوشگری و مهارت ارزشیابی و... را آموزش دهد. اکنون هر یک را بطور خیلی مختصر تعریف میکنیم.

1-1- تدوین شفاف و روشن مفاهیم؛ وقتی که یک مفهوم را در یک مجموعه به کار می گیریم باید کودکان را تشویق نمود تا مصادیق آن مفهوم را که کاملاً در محدوده آن مفهوم قرار می گیرند و همچنین نمونه هایی را که کاملاً خارج از حیطه آن مفهوم هستند، شناسایی نمایند. سؤال کردن؛ برنامه فلسفه برای کودکان مهارت سؤال کردن را هم در معلم و هم در دانش آموزان رشد می دهد.

1-2- مهارت استدلال کردن؛ این مهارت در ساخت ارتباطات، ساخت مفاهیم و رشد مهارتهای استدلال قیاسی و منطقی به کودکان و دانش آموزان کمک می کند.

1-3- مهارت تفکر خلاق؛ این برنامه دانش آموزان را به خلق ایده های جدید تشویق می کند

1-4- مهارت ارتباطات؛ این برنامه به رشد مهارتهای ارتباطی از طریق خوب گوش کردن و احترام نهادن به عقاید دیگران به دانش آموزان کمک می کند.

1-5- مهارت کاوشگری؛ این مهارت به دانش آموزان کمک می کند تا سؤالات مناسب بپرسند، بتوانند مسأله را طرح و تعریف کنند و به پیش بینی نتایج، آزمودن نتایج و اصلاح ایده ها بپردازند

1-6- مهارت ارزشیابی؛ این مهارت به دانش آموزان کمک می کند تا به ارزیابی اطلاعاتی که به دست آورده اند بپردازند و همچنین در مورد ارزش آنچه که خوانده اند، شنیده اند و انجام داده اند، قضاوت کنند .

2- محتوای برنامه آموزش فلسفه به کودکان

مهمترین محتوای فلسفه برای کودکان علاوه بر داستان و رومان، عکس، فیلم و کارتن، موسیقی، نقاشی و ... ابزار و کتابهای راهنما و شخص مربی و آموزش دهنده نیز میتواند مهم باشد.

2-1- آموزش مربی ورزیده و ماهر

آموزش کودکان توسط مربیان ورزیده در طرح «آموزش فلسفه و کودک» از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر آموزش کودکان توسط مربی ناآزموده و غیرحرفه‌ای صورت گیرد که با مهارتهای فلسفی تفکر و استدلال و به چالش کشیدن آنها در این زمینه آشنا نبوده و بطور ناشیانه عمل کند و یا خود عامل به عمل خویش نباشد، ضایعه‌ای برجای خواهد گذاشت که جبران آن به سادگی صورت نمی‌گیرد و اثرات آن سالها در زمینه تربیتی و آموزشی، بطور کاملاً محسوسی به جا خواهد ماند بنا بر این در ابتدا، تربیت مربی ورزیده و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف آموزش فلسفه به کودک در اولویت است. زیرا مربی به عنوان اولین پایه بحث در کلاس، مجری و هدایتگر این طرح نقش کلیدی را ایفا می‌کند.

در صورت ناشیانه عمل کردن مربی در امر آموزش، سرخوردگی، تحقیر، پائین آمدن اعتماد به نفس، بی‌ارزشی و بی‌هویتی، غرور بی‌جا، مشکلات اخلاقی و رفتاری و ... در کودکان بروز کرده که خود آسیب جدی‌ای را به پیکره نهال این طرح می‌زند. از این رو ایجاد چارچوبهای لازم برای دستیابی به تفکر منطقی نیازمند تأمل در طراحی کلی تمرینها و فعالیتهای کلاسی است. تا زمانی که به مربی، آموزش صحیح داده نشده و دوره های آموزش ضمن خدمت را طی نکند، انتظار موفقیت در این امر، دور از ذهن است.

2-2- کتاب راهنمای معلم

کار کتاب راهنمای آموزشی معلم، کمک به معلمان در ایجاد یک اجتماع پژوهشی در کلاس است. این کتاب ها که به طور مداوم در حال تجدید نظر و ارزیابی هستند، سطح آگاهی فلسفی در معلمان را گسترش می دهند و به دانش آموزان و معلمان کمک می کنند تا ایده های فلسفی مهم را شناسایی و بر آن تمرکز کنند. فصل هایی از این کتابهای راهنما با داستانهایی که در کتاب اصلی برای کودکان نقل شده است، هماهنگ است و درباره ایده های برخاسته از آنها شکل گرفته اند در بسیاری از نمونه ها، ایده ها به صورت حاشیه ای و ضمنی ارائه شده اند؛ اما باید گفت که این ایده های حاشیه ای ارزشمند هستند و بدین علت ارائه شده اند تا کودکان تفاوت بین ایده ها و ملاحظات مربوط و نامربوط را تشخیص دهند (قائدي ، 1383) سقراط یک روش فلسفی را برای تعلیم و تربیت به کار برد، سقراط می گوید مادرم ماما بود که بچه ها را متولد می کرد و به بچه هایی که نفس نمی کشیدند زندگی می بخشید و من هم اندیشه هایی که در ذهن مردم خوابیده مثل بچه ها متولد می کنم و زندگی می بخشم. بطور خلاصه آنچه در یک کلاس آموزش فلسفه صورت می گیرد تشکیل یک یا چند گروه تحقیق است که بعد از تشکیل آن، مراحل زیر صورت می گیرد:

تشکیل حلقه دانش آموزی (افراد به شکل دایره ای طوری می نشینند که همه بتوانند براحتی یکدیگر را مشاهده نمایند).

– هر یک از دانش آموزان بخشی از متن آموزشی را قرائت می نماید .
– معلم از دانش آموزان نسبت به محتوای متن قرائت شده سوال می نماید که چه نکته جالب یا سوال برانگیزی در آن وجود دارد. دانش آموزان باید تشویق شوند تا نکات خود را بصورت پرسش مطرح کنند. کلیه پرسشهای مطرح شده به همراه نام سوال کننده بر روی تخته نوشته می شود.

–سؤالات دسته بندی می‌شود تا مهمترین و اصلی‌ترین آنها (که با برنامه دوره تطابق بیشتری دارد) از سوالات ساده و نیز سوالاتی که پاسخ به آنها یا بسیار سخت است یا با توجه با شرایط مخاطبین، امکان پذیر نیست جدا شود.

آنچه معلم در ارتباط با بحث در مورد پرسشهای گزینش شده انجام می‌دهد، صرفاً نقش ایجاد هماهنگی و خط‌دهی دارد نه منبع دانش. برخی تکنیکهای سودمند در این مرحله عبارتند از: دادن وقت بیشتر به دانش‌آموزان جهت تفکر بیشتر، اجتناب از ارائه توضیحات داور مآبانه، معماسازی، کاربرد مدبرانه سؤالاتی که راه را برای حرکت‌های اندیشمندانه هموارتر می‌کند و موجب توجه دانش‌آموزان به فرا اندیشه می‌شود...

–دانش‌آموزان با یکدیگر بحث می‌کنند و فرآیند مباحثه و مواجهه فکری برای بچه‌ها بتدریج بصورت ملکه در می‌آید. ایشان کم‌کم فکر کردن را احساس نموده و خود شروع به اندیشیدن می‌کنند. نتیجه این نوع کلاسها و مباحثه‌های کلاسی برانگیختن قابلیت در کودکان است که امروزه تحت عنوان تفکر انتقادی شناخته می‌شود. در تفکر انتقادی بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه افکار و ایده‌ها را مورد تبیین، بررسی و بحث قرار دهند. با طی مراحل این طرح، دانش‌آموزان از اندیشه‌ای کارا و پر بصیرت برخوردار می‌شوند. فلسفه و تفکر انتقادی می‌تواند مشخصه‌های نقادی از قبیل کنجکاوی، حدس، ملاک‌یابی.....را در کنار قابلیت‌هایی چون استدلال، مفهوم سازی فلسفی، تعبیر، مهارت‌های پژوهش... رشد دهد.

–در هر گروه تحقیق، قوانین معینی وضع شده و مورد تبعیت قرار می‌گیرد. این قوانین معمولاً در اولین جلسات درس مورد توافق قرار می‌گیرد. نمونه‌ای از این قوانین عبارتند از:

وقتی که نوبت سخن دیگران است آرام باش، به سخن دیگران گوش کن، سربه‌هوا نباش، وقتی نوبت سخن گفتن توست بلند و شمرده سخن بگو...

از آنجا که تذکرات مستقیم به دانش آموزانی که از قواعد مورد توافق تخطی می‌کنند ممکن است اثر سویی بر ادامه مشارکت ایشان در فعالیت کلاسی داشته باشد. یکی از کارهای مفیدی که صورت می‌گیرد استفاده از کلمات جادویی است. برای اظهار هر یک از قوانین مورد اشاره به دانش آموزان از یک تک واژه یا حروف اختصاری استفاده می‌شود. بعنوان مثال؛ هنگامی که سخن دانش آموز واضح نیست و شنونده، مقصود را درک نمی‌کند از حروف م د ن مخفف (من درک نمی‌کنم) استفاده می‌شود... این نکته مهم قابل تذکر است که این پروژه بعنوان ابزاری برای آموزش فلسفه و اندیشه فلسفی طراحی شده است و مستقل از سایر عناوین درسی نیز ارائه می‌گردد. البته از روشهایی که در آن بکار گرفته می‌شود می‌توان در آموزش سایر عناوین درسی بهره برد چنانکه یکی از هدفهای این طرح، تکمیل تربیت دانش آموز محور و ارائه ابزاری مناسب برای رسیدن به نتایج آموزشی مربوط به رشته تحصیلی دانش آموز است. ولی به هیچ عنوان نباید آنرا تنها در خلال سایر درسها قابل اجرا دانست.

3-2- داستانهای کوتاه فلسفی

در برنامه فلسفه برای کودکان یکی از ابزارهای مهمی که استفاده می‌شود، داستان‌های فلسفی است؛ اما سؤالی که مطرح می‌شود آن است که اهمیت داستان در این برنامه در چه نکاتی نهفته است؟ اسپلیتر¹ و شارپ (1995)² معتقدند که چون کودکان از داستان لذت می‌برند از این طریق می‌توان آنها را برای تفکر و سؤال کردن تشویق کرد و در آنها انگیزه به وجود آورد، بویژه اگر داستان‌ها در مورد موضوعات و حوادثی باشند که رقابت یا فریب در آنها باشد. زمانی که با کودکان کار می‌کنیم یکی از راههای مؤثری که به آنها کمک می‌کند تا با شخصیت‌های داستان درگیر شوند این است که آنها را از لحاظ عاطفی و ذهنی در زندگی

¹- Splitter

²-Sharp

شخصیتهای داستان که فرآیند پرسش و پاسخ را انجام می‌دهند، درگیر کنیم لزومی ندارد این شخصیت‌ها قهرمانان یا افراد تبهکار و شروری باشند که در آثار ادبیات کلاسیک کودکان وجود دارد. این شخصیت‌های تخیلی در کشاکش بیان مواردی قرار می‌گیرند که یک استدلال قیاسی یا یک تمایز صحیح را شکل می‌دهند و در عین حال پیش فرضها و مفاهیم گفته‌شده را بررسی می‌کنند. آنها با تفکرات، گفته‌ها و اعمال خود نشان می‌دهند که به اندیشه‌ها اهمیت می‌دهند و حتی اگر همواره در رفتار خودشان این امر را آشکار نکنند، ارزش افکار را خوب می‌دانند. اگر بتوانیم کودکان را تشویق کنیم تا با فرآیند ذهنی این شخصیت‌ها ارتباط برقرار کنند، هم این شیوه پرسش و پاسخ را در پیش می‌گیرند و هم برای آن ارزش قائل می‌شوند. لیپمن درباره شکل این داستانها می‌گوید: به جایی خسته کردن کودکان با توضیح مزیت‌های تحقیق می‌توانیم به صورت یک داستان، یک اجتماع پژوهشی کلاسی به آنها نشان دهیم که کودکان معمولی در آن قرار دارند؛ جایی که زندگی کودکان و اندیشیدن درباره جنبه‌های مختلف آن برای آنها اهمیت دارد.

3- شیوه‌های پرداختن به فلسفه برای کودکان پیش دبستانی

هدف این برنامه، افزایش مهارت‌های فکری کودکان است به گونه‌ای که هم در این دوره و هم در دوره بزرگسالی آمادگی برخورد معقول با مشکلات زندگی خود را داشته باشند و بتوانند از مهارت‌های سطح بالایی فکری خود استفاده نمایند.

3-1- پرورش تفکر خلاق¹

خانواده‌ها باید فرصتهای لازم را برای سؤال کردن، کنجکاوی و کشف محیط به کودکان بدهند و هرگز آنان را تنبیه و تهدید نکنند. زمینه رشد خلاقیت در خانه زمانی فراهم می‌شود که به کودکان آزادی زیادی بدهید و به آنها به عنوان یک فرد احترام

¹- Creative thinking

بگذارید، از نظر عاطفی در حد اعتدال به آنها نزدیک شوید و بر روی ارزشهای اخلاقی و نه قوانین خاص تأکید نمایید. محیط خانه را به صورتی درآورید که در آن فعالیت، بازی و خنده به مقدار زیادی وجود داشته باشد. شما و کودکانتان سعی نمایید کارها را به روش های جدید و جالب انجام دهید. با تشویق و تأیید رفتار کودک و فراهم آوردن زمینه های مساعد و تدارک بازیهای دلخواه او، قدرت تخیل و خلاقیت کودک را تقویت کنید. خیالپردازیهای کودکان را سرزنش نکنید زیرا خلاقیت او را محدود می سازید. تحقیقات نشان می دهد که والدین کودکان خلاق در رفتار خود هماهنگی بیشتری نشان می دهند، کودکان خود را آنگونه که هستند قبول دارند و آنها را به کنجکاوی درباره اشیاء و امور تشویق می کنند و کودکان خود را در انتخاب موضوعات مورد علاقه آزاد می گذارند و کارها و برنامه های آنان را تحت نظر دارند و پی گیری می کنند. شایسته است والدین تا آنجا که امکان دارد کودکان خود را مستقل بار آورده و در ایجاد اعتماد به نفس، آنان را یاری کنند و دستاوردهای آنان را با آغوش باز بپذیرا شوند و هنگام شکست، به جای سرزنش، راهنما و راهگشای مشکلات کودکان خود باشند، تا کودکان بتوانند ضمن احساس ارزشمندی در انجام کارها، راه حل ها و عقاید غیر معمول و دور از ذهن را نیز بیازمایند، چراکه چنین کارهایی پایه و مایه اصلی خلاقیت است. اغلب اوقات اگر کمی وقت و حوصله کنیم متوجه وجود خلاقیت در بچه ها می شویم. بهترین زمان برای اطلاع از خلاقیت کودکان، تماشای آنها به هنگام بازی است. خلاقیت عامل مهم بازی است. کودک را در حالی که آزادانه و فارغ البال با مواد و اسباب بازیهای سرگرم بازی است تماشا کنید. کودکان خلاق اغلب برای هر یک از وسایل بازی خود موارد استفاده متفاوتی پیدا می کنند و قبل از اینکه از وسیله ای به سراغ وسیله دیگر بروند از آن به انواع مختلف استفاده می نمایند. کودک خلاق اغلب از منابع خود به انواع و اشکال مختلف و گاه حیرت انگیز استفاده می کند. ممکن است یک جعبه خالی برای کودک

خلاق ارزشی به مراتب بیش از بهترین و پیچیده ترین اسباب بازیها داشته باشد . کودکان خلاق می توانند با توجه به موقعیت و مکان خاص بازی را تغییر دهند، بازیهای جدید ابداع کنند، مقررات خاصی وضع کنند، رهبری بازی را در دست گرفته و با سازمان بندی منسجم به صورت فردی و چه به صورت گروهی بازی کنند . بازی این گونه افراد از تنوع و گوناگونی آکنده بوده و میتوانند با توجه به علایق خود و بازی کنان هدفهای بازی را اعمال کنند. در مقابل کودکانی که از خلاقیت بی بهره بوده و یا خلاقیت کمی دارند در بازی ها نقش پیرو را به عهده گرفته، خود را ملزم به رعایت کامل مقررات بازی می دانند، تخطی از قوانین را جایز نشمرد و بازی را بیشتر به عنوان وظیفه و کار تلقی می کنند تا وسیله ای برای رشد، بنابراین سهم آنها از لذت بازی کمتر از کودکان خلاق است. در کشور ما به رغم وجود گنجینه های علم و معرفت و داستانها و افسانه های زیبا و آموزنده، اولیا و مربیان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می دهند و دانش آموزان نیز در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری های غیر فعال کرده، از سختی و خشکی دروسو اضطراب امتحان و نمره رنج می برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مربیان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان های خلاق، مبتکر و کارآمد است، باز می مانند).

3-2- پرورش تفکر انتقادی¹

دانش آموزان با یکدیگر بحث می کنند و فرآیند مباحثه و مواجهه فکری برای بچه ها بتدریج بصورت ملکه در می آید . آنها کم کم فکر کردن را احساس نموده و خود شروع به اندیشیدن می کنند . نتیجه این نوع کلاسها و مباحثه های کلاسی برانگیختن قابلیت در کودکان است که امروزه تحت عنوان تفکر انتقادی شناخته می شود. در تفکر

¹-critical thinking

انتقادی بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه افکار و ایده‌ها را مورد تبیین، بررسی و بحث قرار دهند. با طی مراحل این طرح، دانش آموزان از اندیشه‌ای کارا و پر بصیرت برخوردار می‌شوند. فلسفه و تفکر انتقادی می‌تواند مشخصه‌های نقادی از قبیل کنجکاوی، حدس، ملاک یابی... را در کنار قابلیت‌هایی چون استدلال، مفهوم سازی فلسفی، تعبیر، مهارت‌های پژوهش..... رشد دهد. یکی از اهداف این برنامه پرورش «تفکر انتقادی» است. فراگیری تفکر انتقادی بدین معناست که افراد یاد بگیرند چه زمانی سوال کنند، چگونه سوال کنند و چه سوالاتی بپرسند. افراد یاد بگیرند چگونه استدلال کنند، چه زمانی از استدلال استفاده نمایند و کدامین روش استدلالی را به کارگیرند. لیپمن معتقد است که الگویی او به نحو مناسبی تفکر انتقادی را پرورش می‌دهد. لیپمن در سال (1988) با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «تفکر انتقادی چه می‌تواند باشد»، به ارائه الگویی از تفکر انتقادی پرداخت که در آن هدف از آموزش تفکر انتقادی را تربیت انسان معقول از طریق فرایند پژوهش دانست. لیپمن پس از معرفی الگویی تفکر انتقادی به عنوان فرایند یافتن حل مسأله به طور منطقی به استفاده از ابزار مهم اجتماع پژوهشی توجه می‌کند.

3-3- پرورش ارزشهای اخلاقی¹

برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان جهت رشد اخلاقی، روش حلقه کند و کاو را پیشنهاد می‌کند. اخلاق در معنای حداقلی عبارت است از تلاش برای قرار دادن رفتار خود تحت هدایت عقل، یعنی کاری انجام دهیم که مناسب ترین دلایل برای انجام آن وجود دارد. اخلاق از همان اوان کودکی همراه ماست و آن را می‌آموزیم. کودکان با شرکت در جامعه‌ی کاوش‌گر، عادت‌های اجتماعی لازم برای کردار اخلاقی نیک را در خود پرورش می‌دهند. آنها درس را بطور اجتهادی می‌آموزد نه تقلیدی؛ و در آینده نیز قادر خواهد بود در فراگیری دانشها یا برخورد با افکار و

¹- ethical values

عقاید مختلف آن را به کارگاه ذهن و فکر برده و پس از تحلیل، بررسی و استدلال، آن را بپذیرند یا رد کنند. این آشنایی اجتهادی و نقادانه است با اصول اخلاقی، آداب اجتماعی، جهان بینی و شناخت مسائل عام ولی مهم و غیر تخصصی فلسفه، که متناسب سن و معلومات از دوره اول ابتدایی ترجیحاً پایه دوم تا سال آخر متوسطه برنامه ریزی و اجرا می شود. فایده این کار آن است که کودک و نوجوان با ابزارهای صحیح فلسفه آشنا شده و به چند قاعده رفتاری همچون آداب بحث، تفکر و استدلال عادت داده می شوند. در آداب بحث و مذاکره، به دانش آموز تفهیم می شود که هر مخاطبی احترام دارد و نباید سخن او را قطع یا به او توهین کرد، بلکه هر کس در جمع دوستان یا همکاران باید برای خود و دیگران سهمی را فرض و احترامی را بپذیرد. مثلاً در نوبت خود و بمقدار لازم سخن بگوید و سعی کند ادعا یا حرف دیگران را بفهمد و آن را نسنجیده رد یا تأیید نکند. عادت به تفکر درباره هر موضوع، پرسیدن سؤال است. یعنی فرد هر «داده» در آن مجلس را با داده های قبلی و معلومات خود مقایسه و ارزیابی کند که قاعده تاً باید از اصول ارزیابی خبردار باشد. پرورش عقل و کاربرد صحیح آن در تربیت اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است و از مهمترین موضوعات و مسائل فرد و جامعه بشمار میرود، زیرا اسلام دین عقل است و درک حقایق، شناخت معارف، ارتباط منطقی با مبدأ و معاد، معرفت پیامبران و امامان، شناخت طریق رشد و هدایت و تکامل انسان در زمینه های مادی، معنوی، معاش و معاد به عقل وابسته است. در این بین شیوه چگونه اندیشیدن که میتوان آن را از پایه های اصیل تربیت صحیح برشمرد. باید از اوایل کودکی به انسان آموخته شود. یک کودک با دانستن روش صحیح تفکر نه تنها از بسیاری تهدیدها میتواند مصون بماند، بلکه فرصتهای خوبی را هم برای خود فراهم خواهد ساخت و این چیزی است که از مهارتهای مهم زندگی بشمار میرود.

3-4- آموزش ارزشهای هنری¹

انجام کارهای هنری مقدمه اندیشیدن برای بچه هاست و به ایده ها و کارهای دستی آنها باید احترام گذاشت و هنر در دوره ابتدایی برای دانش آموزان مجالی است برای تفکر، و باید کلاس هنر با سایر کلاس ها متفاوت باشد هدف این است که قوه خلاقه دانش آموزان را بیدار و شکوفا کنیم. قصد داریم اولیا و معلمان را متوجه هنر و فواید کارهای دستی دانش آموزان کنم و اگر معلمان و اولیا دانش آموزان به هنر بهای لازم را دهند شاهد رشد و بالندگی و ظهور هزاران استعداد برجسته در رشته های گوناگون در کشورمان، در آینده خواهیم بود بی توجهی اولیا و معلمان به هنر چه ضررهای جبران ناپذیری را به روح و روان و قوه خلاقیت آنها وارد می سازد به نظرم برای تربیت شهروند سالم نیاز به انجام کارهای هنری از جمله موسیقی، نقاشی، کاردستی و... می باشد هدف نهایی تربیت شخصیت سالم از جنبه های روحی و روانی می باشد و تربیت هنری یکی از رویکردهای درس هنر در دنیا می باشد و تربیت هنری یعنی ایجاد فضایی که کودکان به دور از معیارها و چارچوب های بزرگسالان آزادانه تخیل و اندیشه کنند حواس آنها تقویت شود و ظرفیت های نهفته هوش و تفکر آنها پرورش یابد و احساسات آنها توسعه پیدا کند. متأسفانه هنر در دوره ابتدایی مورد بی مهری از طرف خانواده، مدرسه، وزارت آموزش و پرورش قرار میگیرد. یادمان باشد منظور از انجام کارهای هنری تربیت متخصص نیست، بلکه هدف اصلی، بهتر آموختن، تقویت توانایی و شکوفایی استعدادهای گوناگون و کمک به تربیت اجتماعی دانش آموز است. وسیله ای برای فراگیران است تا به کمک آن نقش واقعی خود را در جهان یافته و شخصیت خود را نیز پرورش دهند و از همین رو انجام کارهای هنری یکی از بهترین ابزار تربیت شناخته شده است، همانند بازی های ذهنی آرام، کاردستی و نقاشی و... به طور کلی فعالیت هایی هستند که با دستکاری کودک توان

¹- Artistic values

است و تجارب تربیتی گرانمایی را برای کودکان به وجود می آورد، زیرا در موقع انجام امورات هنری به آنها اجازه داده می شود که بیندیشند، ببینند، دست بزنند، عمل کنند و... آن وقت است که اتفاق تازه ای رخ خواهد داد و دانش آموز نیز به غنای فکری و عاطفی خواهد رسید و محرومیت دانش آموز از محرک هنری قابل جبران نیست و در دوره های بعدی رشد باعث اخلاص می شود و اگر برنامه های آموزشی هنر متناسب با سن کودک باشد بسیاری از مشکلات را حل می نماید و نشاط و شادابی و رضایت خاطر او را موجب می شود و دانش آموزان دوره ابتدایی فعال، پراورژی و علاقمند به کارهای هنری و کنجکاو هستند و به پرسش در محیط و افراد و چیزهای موجود می پردازند، چرا که آماده و علاقمند به یادگیری هستند آموزش هنر متضمن استفاده از مفاهیم فلسفی اساسی است. همچنین داشتن درك عمیق از ارزشهای هنری، مستلزم شناخت ماهیت این ارزشها و ماهیت قضایای ارزشی است؛ بنابراین، انجام يك سلسله مباحث فلسفی در باره ارزشهای هنری و آنچه «زیبائی شناسی فلسفی» خوانده می شود را باید بخشی از آموزش هنر دانست. بر همین اساس هاگامن (1990) برنامه فلسفه برای کودکان را در آموزش هنر بسیار قابل استفاده دانسته و اجرای آن را منجر به درك عمیق تر کودکان از ارزشهای هنری می داند.

4- روش اجتماع پژوهشی¹

علاوه بر داستان که جایگاه مهمی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان ایفا می کند روش «اجتماع پژوهشی»¹ در فراگیری این مهارتها و نیز ایجاد تمایل به استفاده آنها در موقعیت های واقعی زندگی نقش مهمی را ایفا می کنند. آموزش و یادگیری بسیاری از این مهارتها و نیز میل برای استفاده از این مهارتها، از طریق زبان و با ایجاد

¹-Community of Inquiry

یک «اجتماع پژوهشی» جایی که کودکان به عنوان اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با همدیگر می‌پردازند، به بهترین شکل ممکن امکان پذیر است. کودکان برای این‌که بتوانند در آینده مستقل با آیند، نیازمند یادگیری قضاوت، داورى، تمییز و استدلال هستند؛ به بیان دیگر، کودکان، به منظور ایفای نقش ارزشمند در آینده‌ی جامعه‌ی خود، باید به تأمل و سایر مهارت‌های فکری عادت کنند. اگر مسائل انتزاعی مورد علاقه‌ی کودکان در قالب‌های مناسب به آنها عرضه شود، کودکان موضوع را با علاقه پی‌گیر خواهند شد. آموزش و پرورش یک کند و کاو یا تحقیق است و در این کند و کاو، کودکان باید همچون دانشمندان به صورت گروهی کار کنند؛ چرا که کار پژوهشی و تحقیقی کلاً مبتنی بر مشارکت و همکاری است. به بیان دیگر، آموزش مهارت‌های زبانی و فکری تنها در جمع ممکن است؛ چرا که اصولاً زبان و تفکر ویژگی جمعی دارند. یکی از مؤلفه‌های اصلی برنامه فلسفه برای کودکان، شکل کلاس و نحوه هدایت آن یعنی کلاس داری است. برای اینکه محور آموزش و پرورش، پژوهش و تحقیق باشد لازم است که کلاس‌های درس تبدیل به حلقه‌های کندوکاو یا اجتماع پژوهشی شوند که در آن از رابطه دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال می‌شود. قبل از شروع بحث در کلاس، دانش‌آموزان توجیه می‌شوند که اعضای کلاس در واقع عناصر یک گروه پژوهشی هستند که قرار است با بحث و گفتگو درباره داستان یا موضوعی که ارائه می‌شود و کشف عناصر پنهان در آن موضوع یا داستان به اهداف برنامه برسند. زمانی که یک داستان خوانده می‌شود، اجتماع پژوهشی شروع به کار می‌کند.

4-1- ارزش اجتماع پژوهشی

علاوه بر داستان که جایگاه مهمی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان پیش دبستانی و دبستانی ایفا می‌کند روش اجتماع پژوهشی در فراگیری این مهارت‌ها و

نیز ایجاد تمایل به استفاده آنها در موقعیت‌های واقعی زندگی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. آموزش و یادگیری بسیاری از این مهارت‌ها و نیز میل برای استفاده از این مهارت‌ها، از طریق زبان و با ایجاد یک «اجتماع پژوهشی» جایی که کودکان به عنوان اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با همدیگر می‌پردازند، به بهترین شکل ممکن امکان پذیر است. کودکان برای این‌که بتوانند در آینده مستقل با آیند، نیازمند یادگیری قضاوت، داور، تمییز و استدلال هستند؛ به بیان دیگر، کودکان، به منظور ایفای نقش ارزشمند در آینده‌ی جامعه‌ی خود، باید به تأمل و سایر مهارت‌های فکری عادت کنند. هدف آموزش و پرورش در اصول جدید، به کاراندازی نیروهای تشخیص، انتقاد، پردازش اطلاعات و... است که یادگیرندگان را قادر می‌سازد مسئولانه درباره‌ی نظرات گوناگون داور، کنند؛ به بیان دیگر، همان‌طور که سقراط کار خود را نه زاییدن فکر بلکه زایاندن (ماما) فکر می‌دانست، آموزش و پرورش جدید نیز باید بکوشد تا با تقویت تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی، آموزش ارزشهای اخلاقی و هنری و آموزش مهارت‌های مختلف فکری به دانش‌آموزان کمک کند تا خودشان در پی داده‌ها باشند، آنها را پردازش کنند و به حل مسائل و گرفتن تصمیم نایل گردند.

5- تجربه شخصی

تجربه‌ام به من آموخت از روشهای مختلف برای تدریس موضوعات فلسفی استفاده کنم (کلامی، دیداری، تجسمی، خیالی، فکری و... که می‌تواند بصورت شعر، داستان، موسیقی، فیلم، نمایش، تصاویر، مقاله، کاردستی، بازی و... باشد) و اگر دانش‌آموزی سخنی و یا حرفی برای گفتن دارد اجازه دهم سخنش را به راحتی و بدون ترس بگوید. آرامشی برای او ایجاد کنم که افکار پراکنده از او دور گردد و کلاس را برای آنان با نشاط و با انگیزه نمایم نسبت به آنان مهربان باشم تا به راحتی به تدریس توجه بیشتری نمایند البته اگر بصورت تحقیق باشد فرایند تحقیق یا

درس‌پژوهی باید طی جلسات منظم و دارای برنامه باشد یادآوری این نکته برای همکاران الزامی باشد که مهارت معلم، کلید موفقیت تدریس با روش تحقیقی است. در مورد پاسخ گفتن فرصت بیشتری به او دهم و آنچه را گفته به خاطر بسپارم به همراه اسم دانش‌آموز. به همه دانش‌آموزان که بصورت بیضی یا دایره نشسته‌اند اجازه دهم در کار شرکت کنند علی‌الخصوص از دانش‌آموز ساکت (تودار). توجه به سوالات و کار همه دانش‌آموزان و یاری دادن به آنان که همه نقش خود را ایفا نمایند و توجه جمع را به گفتگو جاری. در تدریس صداقت و صراحت از اهمیت بیشتری برخوردار است که باید توجه شود به همه دانش‌آموزان طوری رفتار کنم انگار با یک دانش‌آموز رفتار می‌شود. به علائق مختلف دانش‌آموزان خردمندانه توجه می‌شود. از تقلید کورکورانه دانش‌آموزان را دور نگه داشته و در عوض سعی بر آن است از نقطه‌ای آغازین و تفکر برانگیز جهت درس‌پژوهی استفاده شود. توجه بیشتر به دانش‌آموزانی می‌کنم که دارای تفکر انتقادی هستند جهت تشویق دانش‌آموزان دیگر به این تفکر (دمکراسی) کلاً هدف آموزش این نیست که دانش‌آموزان طوطی‌وار از معلم، تاکید می‌کنم از معلم تقلید کند. در کل لازمه فلسفیدن این است که مرزها و آزادیها مورد سوال قرار گیرد. می‌کنم پرورش و آموزش به جای آموزش و پرورش باشد این روند بهتر صورت می‌گیرد. ورود مهارت‌های تفکر نام برده در این مقاله که از پایان نامه خودم اقتباس کردم به برنامه‌های درسی رسمی مانند شمشیری دو لبه است و آنچه که مهم است اجتناب از مراحل معمول و حافظه مداری که به عادت تبدیل شده است.

6- خلاصه بحث و نتیجه گیری

ماهیت این تحقیق در پاسخ به مشکلات شیوه آموزشی حافظه محور و معلم‌مدار است. مطالعه این تحقیق برای همه همکاران آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت یک حرکت با رویکرد نیاز واقعی دانش‌آموزان، محور